

قریش، یادگاری از مهاجرت ابراهیم

یکی از موارد تاریخی که در قرآن بیان شده قبیله قریش و سفرهای تجاری تابستانی و زمستانی مردم آن است. آن طور که در تاریخ ذکر شده سرزمین مکه ابتدا ناحیه‌ای بیابانی بود که هیچ‌گونه حیاتی در آن وجود نداشت تا زمانی که حضرت ابراهیم(ع) برای استقرار همسرش هاجر و حضرت اسماعیل وارد این ناحیه شد.



یکی از موارد تاریخی که در قرآن بیان شده قبیله قریش و سفرهای تجاری تابستانی و زمستانی مردم آن است. آن طور که در تاریخ ذکر شده سرزمین مکه ابتدا ناحیه‌ای بیابانی بود که هیچ‌گونه حیاتی در آن وجود نداشت تا زمانی که حضرت ابراهیم(ع) با هاجر و همسرش، هاجر و همسرش اسماعیل، وارد این ناحیه شد. کمی بعد با ظاهر شدن چشمه زمزم شرایط دگرگون شد به این ترتیب که قبایل جرهم با عبور از این منطقه پس از مشاهده آب سرعت در آنجا ساکن شدند و اسماعیل نیز از میان ایشان برای خود همسری برگزید. به مرور جمعیت شهر افزایش یافت و با ساخت کعبه به وسیله ابراهیم(ع) اعتبار این سرزمین دوچندان شد و تولیت این مکان مقدس به اسماعیل(ع) و فرزندان او سپرده شد. اعتبار این منطقه به حدی رسید که بطلمیوس در کتاب جغرافیای خود از مکورابا و برخی نیز از محلی به نام بکه نام برده اند.

با گذشت زمان اولاد اسماعیل به شاخه های متعددی تقسیم شدند که به اعراب مستعربه (شمالی) معروف شدند و قبایل بسیاری از ایشان شکل گرفت که هر یک در قسمتی از عربستان مستقر شدند. یکی از این آنها قریش بود که با بررسی متون تاریخی به ماهی بزرگ یا تجمع کردن معنی شده و از طرفی لقب نصر بن کنانه از اجداد پیامبر(ص) است که در امر تجارت دست داشته و از احترام بسزایی برخوردار بوده است. آنها در سرزمین اجدادی خود باقی ماندند، بتدریج از سوی جرهمیان و سپس بنی خزاعه که بر مکه تسلط یافته بودند و دیگر قبایل به خارج از مکه فرستاده شدند و از ریاست بازماندند. این رویه تا دوران قصی بن کلاب ادامه یافت تا این که با ازدواج وی با دختر رئیس خزاعه و پس از شکست خزاعیان در نبردی سهمگین بار دیگر توانستند به داخل شهر بازگردند و در بهترین مناطق مکه معروف به بطحا مستقر شوند.

کمی بعد قصی برای تثبیت قدرت قریش مناصبی جهت اداره مکه برقرار کرد و برای آرام ساختن دیگر شیوخ محلی در نزدیکی کعبه مکانی به نام دارالندوه بنا کرد تا در آن با مشورت بزرگان قبایل امور جاری شهر بهتر انجام گیرد. با این همه قدرت در دست او باقی ماند زیرا بیشتر مناصب از جمله سقایت، رفادت، حجابت، قیادت و لوا از سوی او و فرزندان او اداره می شد و باقی قبایل از قصی اطاعت می کردند.

این رویه پس از مرگ وی نیز ادامه یافت، اما مناصب در میان فرزندان او تقسیم شد که با منازعاتی میان طرفین همراه بود. در یکی از این موارد فرزندان این دو نفر با متحد ساختن گروهی از خاندان ها با خود پیمان هایی منعقد کردند که به حلف المطیین و حلف الحلاف معروف شد و جهت نبرد آماده شدند، اما سرانجام با صلح میان آنها مناصب اصلی به بنی عبدمناف رسید. از این پس این شاخه قریش ریاست بر قبایل ساکن مکه را به دست گرفت که تا ظهور اسلام ادامه یافت. یکی از مشهورترین افراد این خاندان عمرو بن عبدمناف معروف به هاشم جد پدری پیامبر(ص) است که به دلیل خرد کردن نان برای مردم و اطعام آنها در زمان قحطی به این نام مشهور شد. وی ریاست مکه را به عهده داشت و اولین کسی بود که به سفرهای تجاری تابستانی و زمستانی قریش نظم بخشید و برای آنها زمان مشخصی تعیین کرد. در دوره ریاست وی داد و ستد تجار قریش با مناطق مختلف و دیگر ملل اعتبار شهر مکه و این قبیله را دو چندان ساخت به طوری که ایشان به ثروتمندترین و با نفوذترین خاندان عرب تبدیل شدند.

سرانجام هاشم در یکی از سفرهای خود به شام در شهر غزه از دنیا رفت و فرزندش عبدالمطلب(شیهه الحمد) پس از مدتی وقفه به دلیل حضور نداشتن در مکه به ریاست شهر رسید. در دوران وی به دلیل حفر مجدد چاه زمزم و یافتن گنجینه ای طلایی و اهدای آنها به کعبه تمام قبایل ریاست او را پذیرفتند. هر چند به دلیل حضور مداوم عبدالمطلب در مکه از ثروتش کاسته شد اما در میان اعراب از احترام خاصی برخوردار بود.

علاوه بر این وی هنگام حمله ابرهه جهت حفاظت از کعبه به تنهایی در مکه باقی ماند و حاضر به ترک شهر نشد. به همین دلیل در میان قبایل اعتبارش دوچندان شد، وی از پیامبر در دوران خردسالی بشدت حمایت می کرد و هنگام مرگ مراقبت از ایشان را به فرزندش ابوطالب سپرد. با مرگ عبدالمطلب ریاست به فرزندش ابوطالب رسید، اما به دلیل ناتوانی مالی او دیگر خاندان ها از جمله بنی امیه و بنی سهم با دستیابی به ثروتی کلان در مکه اعمال قدرت کردند و به اعتبار خود افزودند. این رویه تا ظهور اسلام ادامه داشت تا این که با گسترش دعوت پیامبر و سپس فتح مکه پایان یافت و از این پس قریش نیز به دولت اسلامی الحاق یافت.

تاریخ نامه طبری، ابوعلی محمد بلعمی

تاریخ گزیده، حمدالله مستوفی

تاریخ صدر اسلام، غلامحسین زرگری نژاد

تاریخ عرب، فیلیپ حتی

تاریخ اسلام، علی اکبر فیاض
تاریخ تحلیلی اسلام، سیدجعفر شهیدی
محمد خدایی / پژوهشگر تاریخ اسلام